

بررسی تطبیقی مسئولیت جزایی اطفال در قانون جزای ۱۳۵۵ و کد جزای ۱۳۹۶ افغانستان

نگارنده گان: سید محمد حسینی^۱ و عبدالقدوس آرسین^۲

چکیده

هرچند اطفال به خاطر فقدان یا ضعف ادراک در هنگام ارتکاب عمل مجرمانه مانند بزرگ سالان موضوع مجازات نیستند؛ اما تمام جوامع در مقابل جرایم ارتكابی توسط اطفال واکنش‌هایی تعریف شده و مدون در نظر گرفته‌اند که عمدتاً در قالب تدابیر امنیتی جای می‌گیرند. در مقاله پیش رو کوشش شده است؛ پس از تبیین مفهوم مسئولیت جزایی، مقایسه‌یی بین مسئولیت جزایی اطفال در قانون جزای ۱۳۵۵ و کد جزای ۱۳۹۶ در دو سطح عام و خاص صورت گیرد. در سطح عام به سیاق مطالعات تطبیقی تشابهات، تفاوت‌ها و موارد سکوت دو قانون بررسی می‌شوند و در سطح خاص، ماده ۸۶ قانون جزای ۱۳۵۵ با ماده ۱۰۴ کد جزای ۱۳۹۶ مقایسه، بررسی و نقد می‌گردند. در نهایت نتیجه گرفته می‌شود که کد جزا علی‌رغم نکات مثبتی که دارد

^۱. استاد کادری پوهنتون غالب کابل (sayedmohd.hussaini@ghalib.edu.af).

^۲. دانشجوی کارشناسی حقوق و علوم سیاسی (abdulqudoos.arseen@icloud.com).

در مورد جرایم اطفال به لحاظ اصول حقوقی گامی به عقب به شمار می‌رود و قانون‌گذار افغانستان در این زمینه ضعیف عمل کرده است.

واژه‌گان کلیدی: طفل، جرم، دارالتأدیب، حجز، مسؤولیت جزایی، کد جزا و قانون جزا.

مقدمه

مسؤولیت در فرهنگ معین به معنای آنچه انسان عهده‌دار و مسؤول آن باشد آمده است. مسؤول کسی است که مورد سؤال قرار می‌گیرد (ساکی، ۱۳۸۷: ۱۵۵) یا در قبال دیگری یا دیگران تعهد یا تکلیفی دارد که چگونگی آن بستگی به موضوع آن دارد. این امر بدان معناست که مسؤولیت انواع و اقسامی دارد. زمانی که از مسؤولیت در حقوق مدنی صحبت می‌شود منظور از آن تعهد و تکلیف عاقدین نسبت به یکدیگر است. در حوزه حقوق جزا مسؤولیت از رفتار خلاف قانون جزا ناشی می‌شود که به آن مسؤولیت جزایی می‌گویند. مسؤولیت جزایی به مجموعه‌یی از شرایط و اوضاع و خصوصیات گفته می‌شود که در شخص بایستی وجود داشته باشد تا در صورت ارتکاب جرم، مجازات بالای او قابل تطبیق باشد (ساکی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). قانون جزا وظیفه دارد تا با منع کردن برخی از رفتارها مثل تجاوز به جان و مال دیگران عدالت و امنیت را در جامعه تأمین و اشخاصی را که اوامر و نواهی آن را رعایت نمی‌کنند مجازات نماید.

مسؤولیت جزایی در گذشته‌ها به صورت مطلق بود؛ یعنی از یک طرف در برابر نقض کنندگان مجازات به عنوان تنها واکنش قابل قبول به رسمیت شناخته می‌شد؛ از طرف دیگر؛ صرف ارتکاب جرم برای تحقق مسؤولیت جزایی کافی تلقی می‌شد؛ به همین دلیل همه مرتکبان جرم اعم از عاقل تا معنون، از بزرگ سال تا طفل و از زنده تا مرده مورد مجازات قرار می‌گرفتند (همان: ۱۵۸). در دوره‌هایی از تاریخ بشر مردگان نیز مسؤول دانسته شده مجازات می‌شدند. در زمان حکومت ژوستینین امپراتور روم یکی از قوانین راجع به مجازات مردگان بود که طبق آن اشخاصی که خودکشی می‌کردند، در قدم اول، جسدش را در چهار چرخه گذاشته و در شهر به نمایش می‌گذاشتند و در قدم دوم، ازدواج با بیوه او را ممنوع قرار می‌دادند (محسنی، ۱۳۷۶: ۹). در عصر حاضر مسؤولیت جزایی معنای گسترده‌تری به خود گرفته و از پیچیدگی زیادی برخوردار شده است؛ یعنی برعکس گذشته صرف ارتکاب جرم برای تحقق مسؤولیت جزایی کفایت نمی‌کند؛

بلکه بحث عنصر روانی هم به جد مورد مطالعه قرار می گیرد. ثانیاً، واکنش اجتماعی منحصر به مجازات نیست؛ بلکه تدابیر امنیتی را نیز شامل می شود. هم چنین برعکس گذشته تناسب رفتار مجرمانه و مجازات در نظر گرفته می شود و نیز با توجه به عنصر روانی، اطفال و مجانین فاقد مسئولیت جزایی شناخته شده اند و مجازات بر آن ها تطبیق نمی شود. به طور خلاصه طبق عقیده عموم حقوق دانان مسئولیت جزایی پل ارتباطی بین مجرم و مجازات است که وجود آن منوط به شرایطی مثل داشتن اراده آزاد و بلوغ می باشد و در صورت عدم وجود یکی از آن ها مسئولیت جزایی دچار نقص می شود؛ بنابراین اگر با علم به جرم نبودن فعل، مرتکب آن شده باشد و یا در انجام دادن آن عمد نداشته باشد و یا اصلاً قوه تمیز خوب و بد امور را نداشته باشد، انصاف و اخلاق حکم می کند که مسئولیت جزایی متوجه او نشود و یا لاقلاً میزان مجازات او همپایه مجرم مسؤول نباشد (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۲۸).

قانون جزای افغانستان در مورد به وجود آمدن مسئولیت جزایی در ماده ۶۵ مقرر داشته است که مسئولیت جزایی وقتی به وجود می آید که شخص با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود. از این تعریف چنین استنباط می شود که قانون گذار حالاتی را به عنوان موانع مسئولیت جزایی یا عوامل رافع مسئولیت جزایی در نظر گرفته است. موانع مسئولیت جزایی حالاتی است که باعث سقوط مسئولیت جزایی می شود. قانون جزا در ماده ۶۶ تصریح کرده است که تحقق یکی از عوارض ادراک یا یکی از اسباب فقدان اراده مانع مسئولیت جزایی است؛ از این رو اشخاصی که دارای عوارض ادراک مثل مجنون و اطفال و اشخاص فاقد اراده مثل شخص مکره باشد در صورت ارتکاب جرم مستوجب مجازات شناخته نمی شوند یا حداقل مجازات آن ها همپایه مجرمی که مسئولیت جزایی کامل دارد نیست. در این تحقیق بر آنیم که نحوه مواجهه قانون جزای ۱۳۵۵ و کد جزای ۱۳۹۶ افغانستان را با جرایم اطفال به شکل تطبیقی بررسی کنیم؛ به این منظور در گام اول مقایسه یی به شکل کلی انجام خواهیم داد؛ سپس با تمرکز بر موادی که مشخصاً به این موضوع پرداخته اند سعی در کشف روی کرد قانون گذار به مقوله مورد مطالعه خواهیم داشت.

۱. بررسی تطبیقی مسؤولیت جزایی اطفال در قانون جزا و کد جزای افغانستان به

شکل کلی برای مقایسه مسؤولیت جزایی در دو قانون بحث در سه بخش دنبال می‌شود:

۱. جایگاه اصل عدم مسؤولیت جزایی اطفال در دو سند مقایسه و بیان می‌شود؛ ۲. مفهوم و شرایط طفل و تقسیمات احتمالی آن مطرح می‌گردد؛ ۳. احکام مربوط به جرایم اطفال از حیث شدت و خفت در دو قانون مقایسه می‌شود.

۱-۱. جایگاه اصل عدم مسؤولیت جزایی اطفال

تاریخ زندگی بشر را تلاش در راه تمیز و اجرای عدالت تشکیل می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۶۸) و تأمین عدالت به عنوان یکی از اهداف بسیار مهم در حقوق جزا مطرح است؛ بنابراین ضرورت تام وجود دارد که در مجازات مجرمین، مسؤولیت جزایی آن‌ها به شکل دقیق و درست بررسی و بر آن اساس حکم صادر شود. در مورد به وجود آمدن مسؤولیت جزایی قانون جزا در ماده ۶۵ تصریح کرده است که مسؤولیت جزایی وقتی به وجود می‌آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود؛ چون قوه ادراک اطفال ناقص است و توانایی تفکیک اعمال جرمی و غیر جرمی را ندارند؛ بنابراین قانون جزا سن (طفولیت) را در کتاب اول، باب سوم، فصل اول، قسمت دوم، عوارض ادراک، به عنوان عامل رافع مسؤولیت جزایی پذیرفته است که بر مبنای آن تطبیق مجازات بر اطفال ممنوع است.

کد جزا در مورد به وجود آمدن مسؤولیت جزایی در بند دوم ماده ۸۶ تصریح کرده است که مسؤولیت جزایی زمانی به وجود می‌آید که شخص با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، مرتکب عملی گردد که قانون آن را جرم شناخته باشد؛ چون اطفال به خاطر ضعف قوه عقل و ادراک‌شان توانایی تشخیص عمل جرمی از غیر جرمی را ندارند؛ بنابراین کد جزا در کتاب اول، باب سوم، فصل دوم تحت عنوان موانع مسؤولیت جزایی در قسمت سوم طفولیت را به عنوان مانع مسؤولیت جزایی پذیرفته است که بر مبنای آن اطفالی که مرتکب جرم می‌شوند فاقد مسؤولیت جزایی اند و مجازات بر آن‌ها تطبیق نمی‌شود. هم‌چنان کد جزا در ماده ۹۹ تصریح کرده است که طفل به جزای اعدام، حبس و یا جزای نقدی محکوم نمی‌شود. این تصریح بیانگر پذیرش اصل عدم مجازات اطفال است. بنابر آنچه در این بحث ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که اصل عدم

مسئولیت جزایی اطفال در کد جزا نیز پذیرفته شده است. در این باب نباید از نظر دور داشت که در حوزه حقوق مدنی ماجرا کمی متفاوت است: عدم مسئولیت جزایی تام طفل لزوماً به معنای عدم مسئولیت مدنی وی نیست (صدر توحید خانه، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

۲. تعریف و شرایط طفل در دو قانون

قانون جزا بدون آن که طفل را تعریف کند، اطفال را به سه گروه تقسیم کرده است: طبق ماده ۷۲ این قانون، گروه اول، اطفالی هستند که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشند و دعوای جزایی علیه آنها اقامه نمی شود. گروه دوم را تحت عنوان صغیر بیان کرده است، طبق ماده ۷۰ این قانون صغیر به طفلی اطلاق می گردد که بین سن هفت و سیزده سالگی کامل قرار داشته باشد. گروه سوم، مراهق است که طبق ماده ۷۱ این قانون به طفلی اطلاق می گردد که سن سیزده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد. بنا بر آنچه بیان شد تفاوت میان گروه اول، دوم و سوم در این است که دعوای جزایی علیه گروه اول قابل طرح نیست؛ اما علیه گروه دوم و سوم اقامه می شود. قانون جزا هدف از پذیرش اقامه دعوای جزایی علیه گروه دوم و سوم را تصریح نکرده است؛ اما این نکته را می توان به صراحت بیان کرد که هدف قانون جزا از پذیرش اقامه دعوای جزایی به معنی پذیرش مسئولیت جزایی است؛ چون طفل در مرحله یی از رشد عقلی که تمیز نامیده می شود، قادر خواهد بود نیک و بد افعال را به درجاتی دریابد. طفلی که به این مرحله از رشد و نمو قوای عقلی رسیده باشد؛ به طور نسبی مسئول است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۵) و این مسئولیت نسبی نه برای تطبیق مجازات، بلکه برای تطبیق احکام اصلاحی و تربیتی است.

بر اساس ماده ۹۵ کد جزا طفل به شخصی اطلاق می گردد که هجده سال را تکمیل نکرده است. کد جزا اطفال را به سه گروه تقسیم کرده است: بر اساس ماده ۹۶ این کد، گروه اول، شامل اطفالی می شود که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشند. این اطفال مسئولیت جزایی نداشته و دعوای جزایی علیه آنها اقامه نمی شود. گروه دوم، بر اساس ماده ۹۷ و ۹۸، شامل اطفالی می شود که سن ۱۲ سال را تکمیل و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشند و گروه سوم، شامل اطفالی می شود که سن ۱۶ سال را تکمیل و ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشند. کد جزا تفاوت میان اطفال گروه اول و دوم و

سوم را در اقامه دعوی جزایی به صورت ضمنی بیان کرده است که دعوی جزایی علیه گروه اول اقامه نمی شود و اما دعوی جزایی علیه گروه دوم و سوم امکان پذیر است. تفاوت تقسیم بندی دو گروه اخیر را کد جزا بیان نکرده است؛ اما از مواد آن چنین پیداست که تفاوت میان گروه دوم و سوم در میزان مسئولیت شان است؛ چنانچه در ماده ۹۷ تصریح می دارد طفلی که سن ۱۲ سال را تکمیل و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده، محکوم نمی شود. همچنان در ماده ۹۸ تصریح کرده است طفلی که ۱۶ سال را تکمیل، اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ثلث حداکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده است، محکوم نمی شود. در نتیجه از نظر کد جزا طفل به شخصی اطلاق می شود که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد و هر شخصی که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد فاقد مسئولیت جزایی بوده و مبرا از مجازات دانسته می شود. کد جزا اطفال را به سه گروه تقسیم کرده است که گروه اول (اطفالی که سن ۱۲ سالگی را تکمیل نکرده اند) ضمن این که فاقد مسئولیت جزایی هستند دعوی جزایی نیز علیه آن ها اقامه شده نمی تواند به این معنی که احکام اصلاحی و تربیتی بر آن ها قابل تطبیق نیست؛ این در حالی است که دو گروه اخیر، یعنی (اطفالی که سن ۱۲ سالگی را تکمیل و ۱۶ سالگی را تکمیل نکرده و ۱۶ سالگی را تکمیل و ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده اند) فاقد مسئولیت جزایی می باشند؛ اما برای حمایت جامعه در برابر رفتارهای جرمی و اصلاح اطفال، کد جزا احکام اصلاحی و تربیتی را متناسب با جرم انجام شده بر آن ها تطبیق می نماید تا احتمال تکرار جرم را به حداقل برساند و یا از بین ببرد.

۳. احکام مربوط به جرائم اطفال از حیث شدت و خفت

با توجه به سن مرتکب جرم، قانون مجازات برای مجرمان کمتر از هجده سال رژیم مخصوصی در مورد دادگاه های صالح، آیین دادرسی و تصمیمات قابل اجرا (اقدامات تربیتی، کمک، عذر تخفیف دهنده صغر) و حتی در مورد وجود مسئولیت جزایی ایجاد کرده است (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۵۳۹). قانون جزا بر مبنای تقسیم بندی که از اطفال ارائه کرده است احکام اصلاحی

و تربیتی را نیز با درجات متفاوت بر بنیاد تقسیم‌بندی جرائم از حیث شدت و خفت تعیین کرده است. بر اساس تقسیم‌بندی قانون جزا از اطفال، احکام اصلاحی و تربیتی تنها بر دو گروه اخیرالذکر که عبارت از صغیر و مراهق می‌باشند قابل تطبیق است. بر اساس کد جزا نیز برای جرائم قباح، جنحه و جنایت اطفال احکام اصلاحی و تربیتی با درجات متفاوت در نظر گرفته شده است. در این بحث، اول قباحات، سپس جنحه و نهایتاً جنایت ارتكابی توسط اطفال و نحوه مواجهه قانون با آن‌ها به بحث و بررسی می‌آید.

۳-۱. قباح

در قانون جزا چنین حکم شده که اگر صغیر مرتکب جرم قباح شود، حکمی که بالای او تطبیق می‌شود عبارت از: ۱- توییح در مجلس قضاء؛ ۲- تسلیمی او به یکی از والدین یا شخصی که بر نفس او حق ولایت دارد و یا شخص امینی که حسن تربیت او را در آینده متعهد شود؛ ۳- حجز در دارالتأدیب یا مؤسسات خیریه و مدارس اصلاحی که از طرف دولت به منظور اصلاح و تربیت اطفال متخلف تأسیس شده است. در مورد مراهق در ماده ۸۲ تصریح کرده است که هرگاه مراهق مرتکب قباح گردد محکمه می‌تواند او را به جزای پیش‌بینی شده این قانون محکوم نماید و یا به تسلیمی او به یکی از والدین یا شخصی که بر نفس او حق ولایت دارد و یا شخص امینی که حسن رویه او را در آینده تعهد کند حکم نماید. جزای پیش‌بینی شده جرم قباح در ماده ۲۶ قانون جزا تصریح شده است: قباح جرمی است که مرتکب آن به حبس از ۲۴ ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم می‌گردد. در اینجا یا قانون‌گذار اشتباه کرده است یا برای مراهق مسئولیت جزایی قائل شده است؛ اما با توجه با قرائن می‌توان پذیرش مسئولیت جزایی مراهق را از سوی قانون جزا تایید کرد. حکم قباح اطفال طبق ماده ۱۱۲ کد جزا چنین است که هرگاه طفل مرتکب قباح گردد محکمه می‌تواند به عوض حجز برای وی اخطاریه صادر و یا او را به والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی تسلیم نماید. اشخاص متذکره مکلف هستند تا حسن تربیت طفل را کتباً تعهد نمایند. هرگاه اشخاص متذکره تعهد مبنی بر حسن تربیت طفل را انجام ندهند محکمه طفل را به مؤسسه‌هایی که به منظور اصلاح و تربیت اطفال ایجاد شده است

تسلیم می نماید. قابل ذکر است که میزان مسؤولیت اطفال در جرم قباح در قانون جزا با تفکیک صغیر و مراهق تعیین شده است؛ در حالی که کد جزا بر هردو حکم واحد تعریف کرده است.

۳-۲. جنحه

طبق قانون جزا اگر صغیر مرتکب جنحه شود، حکمی که بالای او تطبیق می شود عبارت از: ۱- تسلیمی او به والدین، شخصی که حق ولایت بر نفس او را دارد و یا هم شخص اُمینی که حسن رویه او را در آینده تعهد نماید مشروط بر این که مدت مذکور از سه سال بیشتر و از شش ماه کمتر نباشد و شخص تسلیم شونده حسن تربیه صغیر را کتباً تعهد نماید؛ ۲- حجز در دارالتأدیب یا یکی از مدارس اصلاحی که از سه سال بیشتر و از شش ماه کمتر نباشد. طبق ماده ۷۳ این قانون هرگاه مراهق مرتکب جنحه گردد محکمه می تواند عوض جزاهای پیش بینی شده جرم مذکور یکی از تدابیر مندرج ماده ۷۶ این قانون را در مورد او اتخاذ نماید. تدابیر مندرج ماده ۷۶ قانون جزا عبارت از: حجز در دارالتأدیب مشروط بر این که مدت حجز از یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر نباشد، است. کد جزا در مورد جنحه اطفال برخلاف قانون جزا با عدم تفکیک میان صغیر و مراهق، در ماده ۱۰۹ تصریح کرده است که هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد محکمه یکی از تدابیر آتی را در مورد وی اتخاذ می نماید: ۱- تسلیمی به والدین؛ ۲- حجز در منزل؛ ۳- تعویق محاکمه؛ ۴- تعلیق حجز؛ ۵- فرستادن به مؤسسه های اختصاصی خدمات اجتماعی؛ ۶- انجام خدمات اجتماعی یا دوره مراقبت؛ ۷- حجز در بخش باز مرکز اصلاح و تربیت اطفال؛ ۸- حجز در بخش بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال.

۳-۳. جنایت

طبق ماده ۷۶ قانون جزا، اگر صغیر مرتکب جنایت گردد، حکمی که بالای او تطبیق می شود عبارت از است: ۱- در صورتی که جزای مرتکب اعدام یا حبس دوام باشد، حکم به حجز در دارالتأدیب یا مدارس اصلاحی مشروط بر این که مدت حجز از پنج سال بیشتر نباشد؛ ۲- در صورتی که جزای مرتکب حبس طویل باشد، حکم به حجز در دارالتأدیب یا مدارس اصلاحی مشروط بر این که از یک سال کمتر و از چهار سال بیشتر نباشد.

نکته: بر اساس بند دوم ماده ۷۹ قانون جزا، صغیر بعد از تکمیل کردن سن ۱۸ سالگی در دارالتأدیب یا مؤسسات اصلاحی بوده نمی تواند.

طبق ماده ۸۴ قانون جزا هرگاه مراهق مرتکب جنایتی گردد که جزای آن اعدام یا حبس دوام باشد محکمه می تواند به حجز او در دارالتأدیب که از دو سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نباشد حکم نماید. کد جزا در مورد مجازات جنایت اطفال ساکت است؛ اما در مورد تکرار جرم بر اثر غفلت نماینده قانونی جزای نقدی ده هزار الی بیست هزار افغانی پیش بینی کرده است.

۴. موارد تشابه و تفاوت و سکوت

به سیاق مطالعات تطبیقی در حوزه دانش حقوق کوشش می گردد تا تشابهات، تفاوت ها و موارد سکوت دو قانون درباره موضوع مورد مطالعه روشن شود. هر چند ضمن ذکر مواد دو قانون این موارد تا حد زیادی روشن شد؛ اما مطلب در اینجا به شکل کاملاً مشخص و مصرح بیان می گردد:

۴-۱. تشابهات دو قانون

الف: کاربرد کلمه مجازات

هر دو قانون در مواد مربوط به محاکمه اطفال از کلمه مجازات استفاده کرده است که روشن است کاربرد کلمه مجازات و پذیرش اصل عدم مسئولیت جزایی اطفال باهم تناقض دارند.

ب: تعدد و تکرار جرم اطفال

قانون جزا و کد جزا هر دو در مورد تعدد و تکرار جرم اطفال دیدگاه یکسان دارند؛ یعنی این که در صورت تعدد جرم، طفل متخلف محکوم به جزای جرمی خواهد شد که در قانون شدیدتر پیش بینی شده باشد؛ همین طور در مورد تکرار جرم بیان داشته است که تکرار جرم مانع تکرار حجز و دیگر ضمانت اجراهای مربوطه نخواهد شد. در اینجا بیان این نکته لازم است که هدف از مجازات نکردن طفل سعی بر اصلاح کردن آنهاست، اگر قانون قادر به اصلاح آنها نباشد، این امر خود زمینه ساز به وجود آمدن مجرمین مکرر خواهد شد.

ج: تثبیت سن

بر مبنای هر دو قانون معیار تعیین کننده مسئولیت «سن» است. همچنین در مورد تثبیت سن

دیدگاه هردو قانون یکسان است؛ یعنی قانون جزا و کد جزا برای تثبیت سن اطفال از تذکره تابعیت و نظریه طب عدلی استفاده می‌نمایند.

د: سرنوشت اطفالی که هنگام حجز سن ۱۸ سالگی را تکمیل می‌کنند

از نظر قانون جزا و کد جزا یکی از موارد مهم مبنی بر اصلاح اطفال متخلف، حجز آن‌ها در دارالتأدیب و مؤسساتی است که به این منظور اختصاص یافته‌اند؛ اما کن متذکره فقط برای اطفال در نظر گرفته شده است؛ بنابراین سؤال ایجاد می‌شود که سرنوشت آن عده از اطفالی که در جریان حجز سن ۱۸ سالگی را تکمیل می‌کنند چه می‌شود؟ پاسخ قانون جزا و کد جزا به این سؤال یک جواب مشابه را می‌دهد؛ یعنی زندان است. مسلماً این پاسخ با اصول پذیرفته شده حقوقی به خصوص اصل عدم مسئولیت جزایی اطفال در تناقض قرار دارد که قانون جزا و کد جزا نیز آن را پذیرفته‌اند.

۴-۲. تفاوت‌های دو قانون

الف: تقسیم‌بندی اطفال

در قانون جزا اطفال به سه گروه تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱- اطفالی که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشند؛ ۲- اطفالی که سن هفت سالگی را تکمیل و سیزده سالگی را تکمیل نکرده باشند؛ ۳- اطفالی که سن سیزده سالگی را تکمیل، اما هجده سالگی را تکمیل نکرده باشند. در کد جزا نیز اطفال به سه گروه که عبارت‌اند از: ۱- اطفالی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشند؛ ۲- اطفالی که سن دوازده سالگی را تکمیل، اما شانزده سالگی را تکمیل نکرده باشند؛ ۳- اطفالی که سن شانزده سالگی را تکمیل، اما هجده سالگی را تکمیل نکرده باشند. تقسیم‌بندی شده است. تفاوت دو قانون در تعدد تقسیم‌بندی نه، بلکه در میزان سن اطفال است.

ب: اقامه دعوی جزایی علیه اطفال

بر اساس قانون جزا، اقامه دعوی جزایی علیه اطفالی که سن شان بین هفت تا دوازده سال است امکان‌پذیر است؛ اما بر اساس کد جزا دعوی جزایی علیه طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد اقامه نمی‌شود؛ یعنی کد جزا سن مسئولیت جزایی را بالاتر در نظر گرفته و نسبت به اطفال برخورد نرمتری داشته است. این امر یکی از برتری‌های کد جزا نسبت به قانون جزا است؛

چون حاضر کردن طفل هشت ساله به محکمه و محاکمه به دلیل عدم درک درست وی از محاکمه اثر مثبت اصلاحی نخواهد داشت.

ج: مجازات ناظر یا نماینده قانونی طفل

یکی از ضمانت اجراهای قانون جزا و کد جزا در مورد جرائم اطفال، تسلیم طفل به شخصی است که حسن تربیتش را تعهد نماید؛ یعنی هرگاه طفل در وقتی که تحت نظارت قرار داشته باشد مرتکب جرم شود قانون فرض را بر بی توجهی ناظر یا شخصی که حسن تربیت طفل را متعهد شده است می گیرد و برای این که ناظرین متوجه مسؤولیت شان باشند برای آن ها مجازات وضع کرده است. مجازات وضع شده در این مورد در قانون جزا و کد جزا کیفیت یکسان و کمیت متفاوت دارد؛ یعنی نقدی، اما با درجات متفاوت است. در قانون جزا بیان شده است که هرگاه طفل تحت نظارت مرتکب جنحه شود ناظر وی از یک الی دو هزار افغانی جریمه و اگر مرتکب جنایت شود از دو الی پنج هزار افغانی جریمه نقدی می شود؛ درحالی که در کد جزا این مقدار بیشتر در نظر گرفته شده است؛ یعنی برای جنحه از پنج الی ده هزار افغانی و برای جنایت از ده الی بیست هزار افغانی در نظر گرفته شده است. این مورد یکی دیگر از نقاط مثبت کد جزا نسبت به قانون جزا است.^۱

د: تنوع تدابیر اصلاحی

تنوع تدابیر اصلاحی در کد جزا نسبت به قانون جزا بیشتر است؛ چنانچه قانون جزا در ماده ۷۴ راجع به تدابیر اصلاحی جرم قباحت اطفال فقط به توبیخ در مجلس قضاء، تسلیمی طفل به شخصی که تربیه اش را تعهد نماید و در نهایت به حجز خلاصه می شود؛ درحالی که بر بنیاد ماده ۱۰۹ کد جزا بیشتر از ۷ نوع تدابیر اصلاحی جهت اصلاح اطفال در نظر گرفته شده است.

و: عدم محرومیت طفل از رأفت قضایی

کد جزا رأفت قضایی برای اطفال را در نظر گرفته است؛ درحالی که قانون جزا در مورد آن چیزی بیان نکرده است.

۱. با توجه به تفاوت آشکار قدرت خرید پول افغانستان (افغانی) در سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۹۶ تغییر میزان جزای نقدی را می توان یکی از علل تجدید قانون نیز محسوب کرد.

۴-۳. موارد مسکوت در دو قانون

الف: تعریف طفل

قانون جزا از طفل تعریفی ارائه نکرده است؛ در حالی که کد جزا طفل را شخصی تعریف کرده است که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد.

ب: جزا صغیر بعد از ۱۸ سالگی

قانون جزا در ماده ۷۹ تصریح کرده است صغیری که در دارالتأدیب یا مدارس اصلاحی تحت جزا قرار دارد بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی در مؤسسات متذکره بوده نمی تواند؛ ولی در مورد این که چه باید کرد سکوت کرده است.

ج: تکمیل سن هجده سالگی در حین نظارت

یکی از ضمانت اجراهایی که در برابر ارتکاب جرم اطفال تطبیق می شود، سپردن طفل به نماینده قانونی، یعنی شخصی که کتباً حسن تربیت طفل را تعهد نماید است. طبق ماده ۸۱ قانون جزا حکم تسلیمی به متعهد با تکمیل سن هجده سالگی ساقط می گردد. درباره این که بعد از سقوط حکم تسلیمی آیا اطفال آزاد می شوند یا هم چنان با محدودیت آزادی مواجه اند سکوت کرده است. بر اساس ماده ۱۱۴ کد جزا نیز این تعهد با تکمیل سن ۱۸ سالگی طفل ساقط می گردد؛ اما در مورد این که بعد از آن تکلیف طفل چیست سکوت کرده است.

د: جنایات اطفال

در مورد جنایات ارتكابی توسط اطفال کد جزا حکمی ندارد؛ از این جهت خلای قانونی دارد. این امر می تواند قضات را هنگام محاکمه اطفال جانی دچار مشکل سازد.

بررسی تطبیقی مسؤولیت جزایی در قانون و کد به شکل اختصاصی با تأکید بر

ماده ۸۶ قانون جزا و ماده ۱۰۴ کد جزا

۱. بررسی ماده ۸۶ ق.ج.ا و ۱۰۴ کد جزا

تخلفات جزایی اطفال تا قبل از سال ۱۳۸۳ طبق قانون جزای مصوب ۱۳۵۵ رسیدگی می شد. ایرادات موجود در این قانون و نیز اهمیت و ظرافت نحوه برخورد با اطفال بزهکار، باعث شد که قانون گذار در صدد وضع قانون اختصاصی جهت محاکمه و اصلاح اطفال تحت عنوان (قانون

رسیدگی به تخلفات اطفال) شد که در سال ۱۳۸۳ نافذ گردید؛ با این وجود قانون رسیدگی به تخلفات اطفال چندان جامع تدوین نشده که بتواند مواد مربوط به جرائم اطفال را در سایر قوانین به طور کامل نسخ نماید؛ به همین دلیل در ماده ۶۴ این قانون تصریح شده است: در صورتی که حکمی در مورد رسیدگی به قضایای اطفال در این قانون پیش‌بینی نگردیده باشد، موضوع مطابق احکام قوانین نافذه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. با تسوید و تصویب کد جزا توقع می‌رود نواقص قانون جزا در امر محاکمه اطفال رفع شود؛ ولی این توقع چنان که باید و شاید برآورده نشد. در بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۸۶ قانون جزا مشکل خاصی وجود ندارد؛ اما بند ۴ این ماده اطفال را محکوم به جزای نقدی می‌کند که این امر با اصل عدم مسئولیت جزایی اطفال در تناقض است؛ به همین شکل بند ۵ آن که در مورد انتقال اطفال تحت حجز به زندان بعد از تکمیل سن ۱۸ سالگی ابراز نظر کرده است نیز با اصل عدم مسئولیت جزایی اطفال در تناقض است. ماده ۱۰۴ کد جزا مثل بند ۵ ماده ۸۶ قانون جزا در مورد انتقال اطفال به زندان دیدگاه مشترک دارد؛ در حالی که هردو قانون بیان داشته می‌دارد که سن اساس تعیین مسئولیت جزایی پنداشته می‌شود. پس می‌توان هردو قانون را به این دلیل که مجازات زندان بالای مجرمین تطبیق می‌شود که با مسئولیت جزایی کامل مرتکب جرم شده باشند، مورد سؤال قرارداد که بر چه اساسی تطبیق آن را علیه اطفال جایز می‌داند؟

۲. ایرادات وارد بر ماده ۸۶ قانون جزا و ماده ۱۰۴ کد جزا

همان‌طوری که در دو قضیه فوق‌الذکر «آ»، در قضیه فرضی اولی، طفلی که به دلیل ارتکاب جنایت به مدت ۱۰ سال در دارالتأدیب حجز می‌شود و در آنجا سن ۱۸ سالگی را تکمیل می‌نماید جهت سپری نمودن مدت باقی‌مانده حجز (۸ سال) به زندان فرستاده می‌شود. در قضیه دومی طفل مراهمی که مرتکب جنایت شده است در حین محاکمه به سن ۱۸ سالگی می‌رسد قانون با او مثل مراهم برخورد می‌کند؛ یعنی او را روانه زندان نمی‌کند؛ بلکه در دارالتأدیب حجز می‌نماید. این عمل کرد دوگانه قانون جزا و کد جزا در مورد اطفال متخلف یک اشتباه قانونی، بی‌عدالتی و ناقض اصل عدم مسئولیت جزایی اطفال است.

۲-۱. نقد بند ۱ ماده ۸۶ قانون جزا

بند ۱ ماده ۸۶ ق.ج.ا با بند ۵ همین ماده در تضاد قرار دارد. طبق بند ۱ ماده ۸۶ قانون جزا، مراقبی که حین محاکمه سن ۱۸ سالگی را تکمیل نماید مواد مربوط به مراقب بالای او تطبیق می شود. مؤیدات که بر مراقب تطبیق می شود عبارت از جریمه نقدی، تحویل دهی او به شخص امین و حجز او در دارالتأدیب است. تضاد این دو بند ماده ۸۶ طوری است که بند ۵ ماده ۸۶ اطفال محکوم به حجز را در دارالتأدیب در صورت تکمیل سن ۱۸ سالگی جهت سپری نمودن مدت باقی مانده به زندان می فرستد؛ اما بر اساس بند ۱ همین ماده اطفالی را که حین محاکمه به ۱۸ سالگی می رسد محکوم احکام مراقب، یعنی حجز در دارالتأدیب، می داند. برآیند تضاد این دو بند ماده ۸۶ می تواند یکی از دو مورد ذیل باشد:

۱- با عدم رعایت بند ۵ ماده ۸۶ قانون جزا رعایت بند ۱ همین ماده، طفل متخلفی که حین محاکمه ۱۸ ساله شده است در دارالتأدیب حجز می شود. اگر مدت حجز طور مثال چهار سال باشد شخص محکوم شده در دارالتأدیب به سن ۲۴ سالگی می رسد؛ این در حالی است که طبق بند ۵ همین ماده همه اطفالی که سن ۱۸ سالگی را در دارالتأدیب تکمیل می کنند دیگر نباید در دارالتأدیب بمانند، یا آزاد شوند یا به زندان برده شوند. نتیجه این مورد، ایجاد تفاوت سنی در دارالتأدیب است که می تواند زمینه ساز سوءاستفاده از اطفال خردسال توسط اشخاص بالاتر از ۱۸ سال شود.

۲- با عدم رعایت بند ۱ ماده ۸۶ قانون جزا رعایت بند ۵ همین ماده، اطفالی که حین محاکمه به سن ۱۸ سالگی می رسند باید به زندان برده شوند تا مدت حجز را در آنجا سپری نمایند.

۲-۲. نقد بند ۵ ماده ۸۶ قانون جزا و ماده ۱۰۴ کد جزا

همان طوری که قبلاً در مورد مسؤولیت جزایی و چگونگی مسؤولیت جزایی اطفال در قانون جزا و کد جزای افغانستان اشاره شد می توان استنباط کرد که با قبول کردن سن به عنوان یکی از عوامل رافع مسؤولیت جزایی، اطفال از مجازات مبرا می شوند؛ از طرف دیگر، قانون رسیدگی به

تخلفات اطفال که نسبت به قانون جزا و کد جزا در مورد محاکمه اطفال ارجحیت دارد، در ماده ۷ مجازات کردن اطفال را ممنوع قرار داده است.

بر اساس بند ۱ ماده ۹۰ قانون جزا زمانی که اطفال متخلف به حجز در دارالتأدیب محکوم می شوند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی در صورت سپری نمودن دو ثلث مدت حجز در دارالتأدیب بنابر درخواست والدین شان مشروط بر این که حسن رویه او را در آینده متعهد شوند با تصدیق سارنوال مربوطه رها می شوند. بر اساس بند دوم ماده متذکره، اگر اطفال متخلف در دارالتأدیب سن ۱۸ سالگی را تکمیل نمایند و دو ثلث مدت حجز شان را تکمیل کنند در این صورت بنا بر تعهد خود شخص (طفل) مبنی برداشتن حسن رویه در آینده رها می شود. این در حالی است که قاضی اصلاحات نسبی در رفتار طفل تحت حجز را طی راپوری از سوی سارنوال به صورت مثبت دریافت کند. در صورتی که سارنوال اصلاح نسبی یا اصلاح کامل رفتار طفل را در راپور تأیید نکند، قاضی مکلف است اطفالی را که سن ۱۸ سالگی را تکمیل کرده اند و هنوز اصلاح نشده اند مطابق بند ۵ ماده ۸۶ قانون جزا و ماده ۱۰۴ کد جزا، جهت سپری نمودن مدت باقی مانده به زندان بفرستد.

مجازات و به خصوص تطبیق مجازات زندان علیه مجرمینی جواز دارد که مسئولیت جزایی کامل داشته باشند؛ این در حالی است که کد جزا و قانون جزا این مجازات را بالای اطفال تطبیق می نمایند. امر قانون جزا و کد جزا ناقض اصل عدم مسئولیت جزایی اطفال و نیز در تناقض با برخی دیگر از مواد آن است که ذیلاً به آن ها اشاره می شود:

۱- ماده ۸۵ قانون جزا صراحت دارد که سن صغیر و مراهق در وقت ارتکاب جرم اساس تعیین مسئولیت شناخته می شود؛ پس قانون با چه دیدگاهی و بر اساس چه معیاری مجازات زندان را بالای صغیر و مراهقی که در زمان تحمل محکومیت هجده سالگی را تکمیل می کنند تطبیق می نماید؟

۲- کد جزا در ماده ۹۹ بیان داشته است که طفل به جزای اعدام، حبس و یا جزای نقدی محکوم نمی شو دو سپس در ماده ۱۰۴ بیان کرده که هرگاه طفل حین سپری نمودن

حجز، ۱۸ سالگی را تکمیل نماید، جهت سپری نمودن مدت باقی ماندهٔ حجز به محبس مربوط انتقال داده می شود. در اینجا تضاد و تقابل مواد قانونی به صورت فاحش نمایان است.

۳- هم کد جزا و هم قانون جزا طفولیت (سن) را به عنوان عامل رافع مسؤولیت جزایی پذیرفته اند؛ سپس برای اطفال مسؤولیت نسبی قائل شده اند و در نهایت به مجازات اطفال پرداخته اند.

مواردی که فوقاً به آن ها اشاره شد از یک طرف وجود مشکلات جدی در قانون و کد جزا را به نمایش می گذارد و از طرف دیگر ضمن نقض عدالت، عدم تأمین مصلحت فرد و جامعه باعث تبدیل شدن اطفال به مجرمین متکرر و حرفه ای می شود.

۳. آثار سوء اجرای مواد ۸۶ ق.ج.ا و ۱۰۴ کد جزا

نواقص مادهٔ ۸۶ قانون جزا و مادهٔ ۱۰۴ کد جزا که قبلاً بیان شد، در این بحث نتایجی را که ناشی از تطبیق آن ماده به میان می آید بررسی می گردد.

۳-۱. نقض عدالت

عدالت اقتضا می کند تا فقط اشخاصی که آگاهانه و با اراده آزاد مرتکب جرم شده اند، مجازات شوند. اطفال چون قوه ادراک شان به آن حدی نیست که ماهیت عمل یا نتیجهٔ عمل خود را به درستی درک کنند؛ از این رو در صورت ارتکاب جرم، قابل مجازات دانسته نمی شوند. اطفالی که مرتکب جرم می شوند ممکن است همان هایی بوده باشند که بیشترین نیاز را به نظارت داشته اند (الیت و کوئین، ۱۳۸۷: ۴۱۴)؛ از این رو عموماً دلیل ارتکاب جرم توسط آن ها عدم تعلیم، تربیت و نظارت لازم است و مجازات آن ها نمی تواند باعث بهبود وضع طفل و جامعه گردد.

۳-۲. هدر رفتن تربیت و تلاش های دارالتأدیب

در مدتی که طفل در دارالتأدیب است، با تلاش ها و فعالیت های آن ها ممکن است که حداقل انگیزهٔ اصلاح شدن در او ایجاد شده باشد؛ اما با فرستادن او به زندان تمام تلاش های انجام شده دارالتأدیب به هدر می رود و حتی همان انگیزهٔ اصلاح شدن نیز از طفل سلب می شود.

۳-۳. تبعیض بی مورد

اگر مراهقی که حین ارتکاب جرم به سن ۱۸ سالگی برسد با او مثل مراهق برخورد می شود؛ اما اگر همین مراهق بدون ارتکاب تخلف سن ۱۸ سالگی را تکمیل نماید و یک روز بعد مرتکب تخلف شود آیا باز هم با او مثل مراهق برخورد می شود؟ جواب منفی است و دلیل آن امر قانون است؛ چون سن را به عنوان مانع مسئولیت جزایی قبول کرده است و آخرین حد آن سن ۱۸ سالگی است؛ یعنی کسی که سن ۱۸ سالگی را تکمیل می نماید، سن دیگر برای او مانع مسئولیت جزایی پنداشته نمی شود؛ بلکه این بار با او مثل کسی برخورد می شود که دارای مسئولیت جزایی کامل است. به نظر می رسد این برخورد دو گانه با دو شخص در یک فاصله کوتاه زمانی منطبق قابل دفاعی ندارد.

۳-۴. انتقام به جای اصلاح

قانون جزا جهت تأمین جامعه امن و مبتنی بر عدالت برای برخورد با مخالفان خود مراحل را در نظر می گیرد. اولین مرحله جرم انگاری است که در این مرحله قانون گذار کوشش می کند با روشن کردن افعال مجاز و ممنوع حیطه آزادی های افراد را مشخص و افعال ممنوع را تحت عنوان جرم معین نماید. زمانی که جرمی ارتکاب بیابد، قانون گذار با توجه به وضعیت و حالت مجرم با اقداماتی چون تعلیق تنفیذ مجازات کوشش می کند متخلف را وادار به پشیمانی نماید تا دوباره مرتکب جرم نشود. اگر حالت و وضعیت مجرم فارغ از شرایط اقدامات تربیتی بود آن را شامل اقدامات اصلاحی می سازد و با نگهداشت و تحدید آزادی آنان در مکان های مخصوص سعی بر اصلاح آنان می نماید؛ اما اگر مجرم آن قدر خطرناک باشد که قانون را مجبور به دور نگه داشتن آن ها از جامعه نماید، آنان را به زندان منتقل می کند تا جامعه از شر آنان در امان باشد؛ به بیان دیگر دولت از سلاح مجازات به عنوان آخرین راه چاره و تنها زمانی استفاده می کند که هیچ تدبیر دیگری مؤثر نیست که تازه در همین حالت هم مجازات سالب آزادی مخالفان فراوانی دارد. زندان افزون بر این که افراد زندانی را از کار و فعالیت باز می دارد موجب می شود، جامعه نیز از بازده فعالیت آن ها بهره مند نگردد خزانه دولت نیز به جهت زندانی کردن افراد خلاف کار، به طور کنترل

نشده، هزینه سنگینی را متحمل می شود (بروجردی و مقدادی، ۱۳۹۳: ۳۰)؛ اما باین وجود مجازات زندان همچنان به عنوان یکی از مجازات اصلی در نظام های حقوقی وجود دارد. سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که هدف قانون گذار افغانستان از به زندان فرستادن اطفال چیست؟ آیا اطفال آن قدر خطرناک اند که از جامعه طرد شوند؟ در پاسخ به این سؤالات می توان به گذشته (قرن ۱۸ - ۲۰) رجوع کرد. زمانی که مجازات زندان پیش بینی شد؛ دو نوع تفکر و نظریه به وجود آمد، نظریه اول، این بود که هدف اصلی زندان باید اصلاح باشد و اصلاح را باید به عنوان مهم ترین هدف در اجرای حبس قرارداد. نظریه دوم، طرد و دورنگه داشتن محکوم از جامعه بود (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). احساس می شود که قانون گذار ما بر اساس نظریه اول رفتار کرده است؛ اما از نیمه دوم قرن بیستم به این طرف، این تفکر و اندیشه به وجود آمد که حبس و زندان از اهداف اولیه خود دور شده است (همان)؛ یعنی با تطبیق مجازات زندان بالای مجرمین این نتیجه حاصل شد که زندان نمی تواند در اصلاح مجرمین تأثیر گزار باشد. بر این مبنا خصوصاً در مورد اطفال زندان به هیچ عنوان مناسب نیست و پذیرفتن زندان به عنوان واکنش به جرم طفل هم در قانون جزا و هم در کد جزا نقیصه یی در سیستم قانون گذاری افغانستان به شمار می رود.

۳-۵. تشدید ذهنیت مجرمانه

قانون گذار مجرمانی را که خطر برای جامعه محسوب می شوند دور از جامعه در مکانی به نام زندان نگهداری می کند. اطفال چون از قوای جسمی و ذهنی بالایی برخوردار نیستند؛ بنابراین از یک طرف به عنوان مجرم خطرناک تلقی نمی شوند تا به زندان فرستاده شوند؛ از طرف دیگر به زندان فرستادن طفل باعث می شود که نگرش وی به جامعه به صورت منفی تغییر یابد و خشم و نفرت از جامعه در وجود وی ریشه بدواند. این احساس ستمدیدگی و نفرت از جامعه می تواند در آینده زمینه ساز تعدد و تکرار جرم شود.

۳-۶. افزایش احتمال وقوع جرائم وخیم تر

اطفال دارای مهارت انجام جرائم خطرناک نیستند؛ اما زمانی که به زندان فرستاده می شوند، این امر باعث تبدیل شدن آن ها به مجرمان حرفه یی می شود. مطالعات ابتدایی در زندان نشان داده است که زندانی به طور عمده تحت تأثیر چند عامل قرار می گیرد: ۱- محیط زندان و وجود روابط متقابل

با زندانیان دیگر؛ ۲- مدیریت؛ ۳- امکانات (عبدی، ۱۳۹۳: ۷۷)؛ بنابراین خواسته یا ناخواسته طفل بنا برداشتن روابط متقابل با زندانیان ممکن است خود قربانی جرائم جنسی شود و یا با کسب مهارت‌های ارتکاب جرم به محض برگشت به جامعه، جامعه را قربانی نماید. قابل ذکر است که عامل دوم (مدیریت) نیز در کشور ما با بحران روبه رو است؛ چنانچه خبرگزاری‌ها از آزار و اذیت جنسی زنان زندانی مثل تجاوز جنسی بر آن‌ها از سوی مدیران و مسئولان زندان‌ها در افغانستان خبر داده‌اند.^۱ تصور کنید طفلی (دختر) را که برای سپری کردن مدت حجز به زندان برده شده مورد تجاوز قرار گرفته است آیا توان ادامه زندگی به عنوان یک فرد نرمال را خواهد داشت؟ آیا زندان بر او اثر اصلاحی دارد؟ آیا تجاویزی که بر وی صورت گرفته زمینه‌ساز انتقام و بروز جرائم وخیم‌تر در آینده نخواهد شد؟ این‌ها سؤالاتی است که پاسخ آن‌ها واضح است و نقدی بر تصمیم قانون‌گذار در مورد زندانی ساختن اطفال محسوب می‌شود. در مورد عامل سوم (امکانات) باید اظهار داشت که کشور ما از لحاظ اقتصادی متکی به کشورهای خارجی است و توان ایجاد زندانی را که بتواند مثل شفاخانه عمل نماید ندارد؛ بنابراین با مدیریت زندان‌های افغانستان و فقدان امکانات لازم، تحویل دادن طفل به زندان به معنی دریافت مجرمین حرفه‌یی و متکرر است.

۳-۲. قربانی شدن اطفال

چون اطفال از ضعف قوای جسمی برخوردار هستند و زندانیان بزرگ‌سال نیز امکانات ارضای غریزه جنسی خود را به شکل مشروع در اختیار ندارند؛ بنابراین موارد متذکره می‌تواند باعث سوءاستفاده جنسی از اطفال توسط دیگر زندانیان شود که نتایج آن جبران‌ناپذیر خواهد بود. تجاوز جنسی در دوران طفولیت علاوه بر وارد کردن آسیب جسمی به قربانی، لطمات شدید روانی را به دنبال دارد که آثار آن گاهی تا آخر عمر قربانی را رنج می‌دهد.

۳-۸. از بین رفتن فرصت تحصیل

درحالی‌که اطفال در مدرسه درس درست زیستن را می‌آموزند طفل بزه‌کار در زندان شیوه‌های نادرست زیستن را می‌آموزد. سن طفولیت بهترین دوره آموختن است؛ بنابراین می‌توان گفت به

^۱. بی‌بی‌سی فارسی Nov 14, 2007، نیز آواپرس: ۳ سنبله ۱۳۸۷، همچنین دویچه وله: Jul 18, 2012

زندان فرستادن اطفال فرصت طلایی آموزشی مسائل درست را از آن‌ها می‌گیرد. غایب بودن طفل بزه‌کار در صنف درسی و حاضر بودن در مکانی مثل زندان عواقب بسیار ناگواری برای جامعه دارد.

نتیجه‌گیری

مقایسه دو قانون که عمر یکی در حال به سر آمدن است و دیگری به‌عنوان طفل تازه متولد شده حیات خود را آغاز می‌کند، نشان می‌دهد که هرچند در مورد جرائم اطفال و شیوه برخورد با اطفال بزه‌کار، کد جزا نسبت به قانون جزا منطقی‌تر تنظیم شده است. هم‌چنان قانون‌گذار افغانستان دچار ابهام و سردرگمی است. بر مبنای اصول پذیرفته شده دانش حقوق، اطفال عمدتاً موضوع تدابیر امنیتی هستند و مجازات استثناء علیه آن‌ها اجرا می‌شود. کد جزا هم‌چنان از مجازات اطفال بزه‌کار به‌عنوان قاعده سخن گفته و فقط میزان آن را کمتر تعیین کرده است. اگر سیر قوانین افغانستان را در مورد جرائم اطفال از قانون جزا به قانون رسیدگی به تخلفات اطفال و سپس کد جزا در نظر بگیریم می‌توان ادعا کرد که قانون‌گذار با انتخاب عنوان (قانون رسیدگی به تخلفات اطفال) کاری منطقی انجام داده است به این معنا که اولاً از رسیدگی سخن گفته و نه مبارزه و این امر نشانه درک درست آن‌ها از جرائم اطفال بوده است و ثانیاً واژه «تخلفات» را به‌کاربرده نه جرائم که نشانه نرمش معقول و منطقی قانون‌گذار در قبال جرائم اطفال است؛ اما در کد جزا این حرکت منطقی متوقف، بلکه برعکس شده و قانون‌گذار مجدداً از مجازات سخن گفته است. این امر می‌تواند به‌عنوان یکی از نکات ضعف کد جزا مطرح شود.

سرچشمه‌ها

- (۱) اردیلی، محمدعلی. (۱۳۸۷). **حقوق جزای عمومی**. چاپ بیستم. تهران: جلد اول. نشر میزان.
- (۲) اردیلی، محمدعلی. (۱۳۸۷). **حقوق جزای عمومی**. چ نوزدهم. تهران: ج دوم. نشر میزان.
- (۳) الیتکاترین، کوئینفرانسیس. (۱۳۸۷). **حقوق جزا**. ترجمه آوا واحدی نوایی و نسترن غضنفری. تهران: نشر میزان.
- (۴) استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ و برنار بولک. (۱۳۷۷). **حقوق جزای عمومی**. ترجمه حسن دادبان. تهران: جلد اول. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- (۵) گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا. (۱۳۹۳). **تاریخ تحولات زندان**. چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
- (۶) ساکی، محمدرضا. (۱۳۸۷). **حقوق جزای عمومی**. تهران: انتشارات جنگل.
- (۷) صلاحی، جاوید. (۱۳۹۲). **کیفرشناسی**. چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
- (۸) صدر توحید خانه، محمد. (۱۳۸۸). **رهنمود ماکس پلانک برای حقوق جزای افغانستان**. هایدلبرگ: انستیتوت حقوق.
- (۹) عبدی، عباس. (۱۳۹۳). **تأثیر زندان بر زندانی**. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- (۱۰) محسنی، مرتضی. (۱۳۷۶). **دوره حقوق جزای عمومی: مسؤولیت کیفری**. تهران: انتشارات گنج دانش.
- (۱۱) کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**. چاپ هفتاد و ششم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- (۱۲) قانون جزای افغانستان. (۱۳۵۵).
- (۱۳) قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان. (۱۳۸۳).
- (۱۴) کد جزای افغانستان. (۱۳۹۶).